



## ازدواج موقت (حقوق خصوصی)

ازدواج موقت از اصطلاحات به کار رفته در **علم حقوق** به معنای ازدواج و **نکاح** برای مدت معین است. براساس قانون، در ازدواج موقت تعیین مدت و **مهریه** شرط بوده و بدون آنها **عقد** باطل می‌شود.

### فهرست مندرجات

- ۱- واژه‌شناسی
- ۲- تعیین مدت
- ۳- تعیین مهریه
- ۴- قواعد استثنایی مهر در نکاح منقطع
- ۵- پانویس
- ۶- منبع

### واژه‌شناسی

**نکاح** بمعنی: با هم جفت شدن، جفت گرفتن، زن گرفتن، شوهر کردن، زناشویی می‌باشد.

- [1] عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص ۱۱۰، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۳، چاپ اول.
- و در اصطلاح (مدنی و فقه) عقدی است که به موجب آن **مرد** و **زن** لااقل بر نفی محرومیت جنسی (مانند نکاح منقطع احياناً) یا علاوه بر نفی آن محرومیت، بمنظور تشکیل **خانواده** و زندگی مشترک خانوادگی قانوناً با هم متحد می‌شوند (مانند **مورد نکاح دائم**). و **قانون مدنی** تعریفی از نکاح نکرده است.
- [2] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۷۲۱، تهران، چاپخانه گنج دانش، ۱۳۸۲، چاپ سیزدهم، ش ۵۷۹۶.

نکاح دائم در اصطلاح (مدنی- فقه) نکاحی که برای همیشه بدون تعیین مدت باشد.

- [3] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۷۲۱-۷۲۲، تهران، چاپخانه گنج دانش، ۱۳۸۲، چاپ سیزدهم، ش ۵۷۹۷-۵۸۰۰.
- و نکاح منقطع در اصطلاح (مدنی - فقه) نکاحی که برای مدت معین باشد.
- [4] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۷۲۱-۷۲۲، تهران، چاپخانه گنج دانش، ۱۳۸۲، چاپ سیزدهم، ش ۵۷۹۷-۵۸۰۰.
- که این تعریف مطابق با ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی می‌باشد. در ازدواج موقت، دو رکن و شرط اساسی و کلیدی دیگر بایستی باشد، یکی تعیین مدت و دیگری مشخص نمودن مهریه است.
- [5] امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج ۵، ص ۱۰۶، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، چاپ سیزدهم.

### تعیین مدت

اگر در نکاح منقطع، مدت ذکر نشود و معلوم باشد که مقصود نکاح منقطع بوده عقد باطل است (یعنی ولو قصد طرفین که یکی از شرایط صحت **معامله** و قرارداد است بوده باشد ولی به زین نیلورده باشند باز هم عقد نکاح باطل است. ولی هرگاه مقصود طرفین معلوم نباشد، ظاهر این است که به نکاح دائم نظر داشته‌اند.

- [6] کاتوزین، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۶۶۵، تهران، میزان، ۱۳۸۲، چاپ هشتم، .
- و باز در مورد لزوم تعیین مدت ماده ۱۰۷۶ می‌گوید: «مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.» و ضمانت اجرای تخلف در این ماده، بطلان نکاح است و از قید «کاملاً» چنین بر می‌آید که قابلیت تعیین مدت، کافی نیست.

- [7] کاتوزین، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۶۶۶، تهران، میزان، ۱۳۸۲، چاپ هشتم، .
- بلکه ابتدا و انتهای آن معلوم باشد به طوری که احتمال کمی و زیادی نرود، خواه مدت مزبور کوتاه باشد مانند یک یا چند ساعت و خواه طولانی باشد مانند هشتاد یا نود سال.
- [8] امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج ۵، ص ۱۰۷، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، چاپ سیزدهم.

ولی، اگر ابتدای مدت معلوم نباشد، از زمان نکاح، آغاز می‌شود

- [9] کاتوزین، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۶۶۶، تهران، میزان، ۱۳۸۲، چاپ هشتم، .
- یعنی در صورتی که مدت در عقد ذکر گردد، بدون آنکه ابتدا و انتهای آن معین شود مانند یک سال، ابتدای آن از زمان عقد محسوب می‌گردد؛ زیرا اطلاق عقد عرفاً اقتضاء دارد که مدت بلافاصله شروع شود.

مهر مالی است که در نکاح از طرف شوهر به زن داده می‌شود. شرایط صحت مهر در نکاح منقطع، همان است که در نکاح دائم است. و اما درباره رکن دوم از شرایط و ارکان صحت عقد نکاح منقطع ماده ۱۰۹۵ مقرر می‌دارد که: «در نکاح منقطع عدم نکر مهر در عقد، موجب بطلان است» بنابراین، چنانچه عقد نکاحی برای مدت معین بدون نکر مهر واقع شود، آن عقد بلا اثر است و نمی‌توان بر آن شد که عقد مزبور دائم منعقد می‌گردد؛ زیرا در عقد زناشویی برای مدت معین شده است و این امر مناقض با نکاح دائم دارد. با توجه به آنکه نکر مهر شرط صحت نکاح منقطع می‌باشد، معلوم می‌گردد که جنبه اجتماعی که اساس نکاح دائم قرار گرفته در نکاح منقطع چندان ضعیف است که آن را به قالب **عقد معوض** در آورده است و همان گونه که در عقود معوض هر گاه یکی از **عوضین** دارای شرایط اساسی **صحت** نباشد عقد باطل است، در نکاح منقطع نیز چنانچه یکی از شرایط صحت مهر رعایت نگردد، نکاح باطل خواهد بود.

[۱] امامی، سیحس، حقوق مدنی، ج ۵، ص ۱۰۸-۱۰۹، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، چاپ سیزدهم.

بر مبنای آنچه که گفته شده، جز در مواردی که قانون مدنی حکم ویژه‌ای آورده است، قواعد عمومی مهر در نکاح موقت نیز اجرا می‌شود. این سازمان حقوقی را قانون اداره می‌کند و احکام آن با قواعد معاملات معوض، قابل قیاس نیست.

### قواعد استثنایی مهر در نکاح منقطع

۱- در نکاح منقطع، باید مهر و میزان آن در عقد معین شود. از این حکم چنین برمی‌آید که توافق درباره مهر و نکاح با هم ارتباط دارد و بطلان هر یک در دیگری اثر می‌گذارد و به همین جهت در ماده ۱۰۹۵ آمده است که «در نکاح منقطع، عدم نکر مهر در عقد، موجب بطلان است»

۲- **مهر المتعه** ویژه نکاح دائم است، زیرا حکم آن (ماده ۱۰۹۳) ناظر به موردی است که مهر در عقد ذکر نشده باشد و مرد پیش از **نزدیکی** زن را **طلاق** دهد و دیدیم که نیامدن مهر در نکاح منقطع موجب بطلان آن است و خواهیم دید که طلاق در نکاح منقطع راه ندارد.

[۱] کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (خانواده)، ص ۱۳۷-۱۳۹، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲، چاپ سوم.

۳- **مهر المثل** نیز به طور معمول در نکاح منقطع موردی پیدا نمی‌کند؛ زیرا ضرورت تعیین مهر مانع از این است که بعد از نزدیکی، نیازی به تعیین مهر المثل پیدا شود. با وجود این، در هر مورد که نکاح باطل و زن جاهل به **فساد** باشد، پس از وقوع نزدیکی، زن مستحق مهر المثل است.

۴- گفته شد که در نکاح دائم، هرگاه پیش از وقوع نزدیکی زن و شوهر به وسیله طلاق از هم جدا شوند، زن مستحق نصف مهر است. این حکم را به طور کامل در نکاح منقطع نمی‌توان اجرا کرد؛ زیرا، اگر مرد تا پایان مدت با زن نزدیکی نکند یا بخشی از مدت را به او ببخشد، زن مستحق تمام مهر خویش است و فقط «هرگاه که قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد، باید نصف مهر را بدهد» (طبق م ۱۰۹۷) منظور از تمام مدت باقی مانده آن است. بنابراین، اگر بعد از چند ماه، شوهر باقی مدت را به زن ببخشد، در صورتی که نزدیکی واقع نشده باشد، زن مستحق نصف مهر است.

۵- شرط **خیار**، نسبت به مهر در نکاح منقطع درست نیست؛ زیرا نفوذ آن موجب می‌شود که **فسخ** مهر سبب بطلان نکاح شود. بنابراین شرط خیار در مهر، به منزله شرط خیار در نکاح است.

[۱] قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، مواد ۱۰۹۴ و ۱۰۹۸ و ۱۰۹۷ و موادی دیگر.

### پانویس

۱. ↑ عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص ۱۱۰، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۳، چاپ اول.
۲. ↑ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۷۲۱، تهران، چاپخانه گنج دانش، ۱۳۸۲، چاپ سیزدهم، ش ۵۷۹۶.
۳. ↑ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۷۲۱-۷۲۲، تهران، چاپخانه گنج دانش، ۱۳۸۲، چاپ سیزدهم، ش ۵۷۹۷-۵۸۰۰.
۴. ↑ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۷۲۱-۷۲۲، تهران، چاپخانه گنج دانش، ۱۳۸۲، چاپ سیزدهم، ش ۵۷۹۷-۵۸۰۰.
۵. ↑ امامی، سیحس، حقوق مدنی، ج ۵، ص ۱۰۶، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، چاپ سیزدهم.
۶. ↑ کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۶۶۵، تهران، میزان، ۱۳۸۲، چاپ هشتم.
۷. ↑ کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۶۶۶، تهران، میزان، ۱۳۸۲، چاپ هشتم.
۸. ↑ امامی، سیحس، حقوق مدنی، ج ۵، ص ۱۰۷، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، چاپ سیزدهم.
۹. ↑ کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۶۶۶، تهران، میزان، ۱۳۸۲، چاپ هشتم.
۱۰. ↑ امامی، سیحس، حقوق مدنی، ج ۵، ص ۱۰۸-۱۰۹، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، چاپ سیزدهم.
۱۱. ↑ کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (خانواده)، ص ۱۳۷-۱۳۹، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲، چاپ سوم.
۱۲. ↑ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، مواد ۱۰۹۴ و ۱۰۹۸ و ۱۰۹۷ و موادی دیگر.

### منبع

سایت پژوه، برگرفته از مقاله «از دواج موقت»، تاریخ بازبینی: ۱۳۹۹/۱/۷.

رده‌های این صفحه: [از دواج](#) | [اصطلاحات حقوقی](#) | [حقوق خصوصی](#)